

اثر بخشی سرمایه اجتماعی در نظام توسعه ملی

محمد خوش چهره^۱، نیک بخش حبیبی^۲

چکیده: پیشرفت و توسعه ملی امروز به یک مفهوم و فرآیند کیفی تبدیل شده است، که طی آن، بهبود سطح عمومی زندگی و رفاه اجتماعی در کنار رشد سرمایه‌های مادی، فکری، انسانی و اجتماعی زمینه را برای رشد و تعالی مادی و معنوی جامعه فراهم می‌سازد. در این فرآیند، انسان به طور طبیعی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را بر طرف می‌سازد. در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن‌را سرمایه اجتماعی^۳ نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی در برگزیده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همبازی میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را به سوی دست‌یابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند به توسعه اقتصادی جوامع در حال رشد کمک نموده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصاد ملی را فراهم سازد. سوال اساسی این است که با توجه به اهمیت و کثرت سرمایه‌ها، چرا باید به مقوله‌ای به نام سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی در رشد و توسعه اقتصاد ملی پرداخت؟ چه چیزی آن را در دو دهه اخیر برای محققان حوزه علوم اجتماعی در سطح ملی تا این حد جذاب کرده است؟ در این مقاله تلاش شده است که با روش تبیین نظری و استدلال منطقی، به نقش و اثر بخشی سرمایه اجتماعی در توسعه ملی در وجه اقتصادی آن پرداخته شود. نتایج بررسی نشان می‌دهد که محققان ارتباط بین روند افزایشی سرمایه اجتماعی و بهبود عملکرد اقتصاد ملی را یک ارتباط مثبت می‌دانند که می‌توان از آن به عنوان پلی بین دو حوزه اقتصاد و جامعه‌شناسی یاد کرد. امروزه سرمایه اجتماعی شرط لازم و نه کافی برای نتیجه بخشی سرمایه‌ها و سیاست‌های اقتصادی است که زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی در سطح جامعه فراهم می‌کند.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، توسعه ملی، مشارکت اجتماعی، تعهد، کنش متقابل

۱ استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
۲ استادیار دانشگاه هوایی شهید ستاری

3- Social Capital

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۹
تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲
نویسنده مسئول مقاله: نیک بخش حبیبی
E-mail: nikbash@gmail.com

مقدمه

سرمایه‌ها در علوم اجتماعی و اقتصادی از کثرت و تنوعی خاص برخوردارند که هر کدام یک مفهوم خاص را ایجاد می‌کنند. سرمایه مادی شامل مجموعه دارایی‌های نقدی و غیر نقدی است که به صورت‌های زیر می‌تواند وجود داشته باشد: سرمایه نقدی، که به صورت ارزی و ریالی یا اعتباری در اختیار فرد می‌باشد که به سهولت می‌تواند به کالا یا خدمات دیگر تبدیل گردد. سرمایه طبیعی، به دارایی‌ها و داشته‌های محیطی و مواهب طبیعی خدادادی مثل زمین، آب، جنگل، معادن، گیاهان و جانوران اطلاق می‌شود که به بعد محیطی توسعه پایدار مربوط می‌شود. سرمایه فیزیکی، به مجموعه‌ای از تجهیزات، ماشین‌آلات، کارخانه‌ها و ساختمان‌ها گفته می‌شود. سرمایه‌های زیربنایی، شامل خطوط ریلی و جاده‌ها، بنادر، پایانه‌ها، نیروگاه‌ها و فرودگاه‌هاست. سرمایه دانشی یا فکری، به مجموعه داشته‌های علمی، فلسفی، و فناوری که می‌تواند راه‌گشای سیاست‌ها و راهبردها، و برنامه‌های توسعه ملی گردد.

سرمایه انسانی، مشتمل بر ظرفیت‌های سازنده افراد است که بر مهارت، آموزش و تجربه مبتنی است و همراه با سرمایه اجتماعی بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد و در آخر سرمایه اجتماعی که عبارت است از شکل‌گیری نوع خاصی از ارتباطات و روابط میان شبکه‌ها، انجمن‌ها و مؤسسه‌هایی که با هنجارهای مشترک و روابط متکی بر اعتماد، تعهد و هماهنگی ساختار می‌گیرند و همکاری را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تسهیل می‌کنند. کارل مارکس در اواخر قرن نوزدهم در بررسی ساختارهای کلان، روابط انسانی را از هم مجزا و در طبقات اجتماعی ۵ گانه تقسیم می‌کرد که در جامعه بورژوازی زمان او هر یک رابطه ناعادلانه طبقه کارگر و بورژوا برقرار بود و به بیان جان فیلد (۲۰۰۳) او با این تقسیم بندی به پیوندهای میانی واسطی که همه افراد جامعه را به یکدیگر به عنوان یک مجموعه واحد به یکدیگر پیوند داده بود بی توجه یا کم توجه بود.

نظریه اجتماعی کلاسیک به طور دقیق به حوزه‌هایی که مفهوم سرمایه اجتماعی به آنها اشاره دارد توجه نکرده یا حداقل به تفصیل آنها را بررسی ننموده است. ولی در هر حال پیشگامان نظریه‌های اجتماعی کلاسیک در این خصوص متشکل از مارکس، دورکیم و ماکس وبر فقط شاید تا حدودی توانسته اند مفاهیمی را در قالب نظم اجتماعی بیان کنند که به هیچ وجه در بردارنده ایده سرمایه

اجتماعی که به پیوندهای سطحی حاصل از تجربیات فردی و فعالیت‌های روزانه تا روابط عمیق نهادها و انجمن‌ها در اجتماع یعنی در سطح خرد و کلان پرداخته نمی‌باشد. از اواخر دهه ۸۰ علمای اجتماعی دو مفهوم "اعتماد" و "صمیمیت" را به عنوان ویژگی‌های تعامل اجتماعی مفید در مفهوم امروزی "سرمایه اجتماعی" بیان داشته‌اند (ر.ک به فیلد، ۲۰۰۳)

در هر حال سرمایه اجتماعی مفهومی در حال فراگیر در همه رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی است. این مفهوم در واقع پل ارتباطی مهمی بین اقتصاد، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی می‌باشد که با نگرشی جدیدتر به بررسی ارزش‌های اجتماعی، به ویژه ارتباطات مردمی برای دستیابی به اهداف مشترک در سطح خرد و کلان می‌پردازد. در این مقاله با بررسی دقیق‌تر آن، به ارتباط و نقش اثر بخشی بین سرمایه اجتماعی و توسعه ملی می‌پردازد. هدف پژوهش: شناخت نقش و اثر بخشی ابعاد سرمایه اجتماعی و تأثیر آنها بر توسعه اقتصاد ملی است.

نوع پژوهش: این تحقیق علمی بر اساس هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای است.

روش پژوهش: تبیین نظری با استفاده از روش استدلال منطقی قیاسی می‌باشد.

روش گردآوری اطلاعات: در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی با استفاده از کتابخانه تخصصی، مقالات علمی، آرشیو، سایت‌های اطلاعاتی و پیمایش اسناد مرتبط صورت گرفته شده است. بیان مسئله و اهداف تحقیق: کاربرد سرمایه اجتماعی در ساختارهای اجتماعی به مفهوم شبکه‌های غیررسمی، اعتماد و تفاهم میان افراد یک سازمان است، که مزیت‌های رقابتی بزرگی را در اقتصاد شبکه‌ای امروزی به وجود می‌آورد و قادر است که شبکه اجتماعی متشکل از نیروهای قدرتمندی را به صورت سازمان‌های غیر دولتی^۱ نیز به وجود آورد.

شبکه‌ها به عنوان روابط اخلاقی غیر رسمی شناخته می‌شوند، که از طرفی با پدیده‌هایی از قبیل پارتی بازی، نژاد گرایی و روابط غیر شفاف نیز مرتبطند و این خود به ابهام موضوع سرمایه اجتماعی دامن زده است. طرح سوالات و ابهاماتی پیرامون سرمایه اجتماعی که چگونه می‌تواند رفتارهای اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار دهد و به تقویت یا تضعیف آن منجر بشود؟

چگونه افراد در روابط اجتماعی سرمایه گذاری می کنند و منابع موجود در روابط را برای تولید یک سود بدست می آورند؟ و یا اینکه چگونه گروه‌ها قادرند آن را به عنوان یک دارایی جمعی ایجاد و حفظ می کنند؟ و یا اینکه سرمایه اجتماعی چگونه می تواند با اثرگذاری بر رشد و توسعه اقتصادی، زمینه رفاه بیشتر عمومی را مهیا کند؟ این‌ها و سوالاتی از این قبیل، انگیزه‌ای شده است تا محققین در یک بررسی و تبیین موشکافانه نقش و اثربخشی متقابل سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصاد ملی آشکار گردد.

مروری مبانی نظری

مفهوم شناسی

پیرو تاکیدهای فراوان بر سرمایه مادی، سرمایه انسانی و سرمایه دانش، اکنون برخی از جامعه شناسان و اقتصاددانان "سرمایه اجتماعی" را نیز به منابع رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی می افزایند. به نظر کولیه (۱۹۹۸) سرمایه اجتماعی عبارت است از انسجام درونی اجتماعی و فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر کنش‌های متقابل مردم و نهادهایی که این هنجارها و ارزش‌ها در آن جایگزین می شوند (مایر، ۲۰۰۰).

جان فیلد^۱ (۲۰۰۳) نیز در کتاب «سرمایه اجتماعی» به نقل از رابرت پوتنام^۲ آمریکایی (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را که قبل از او در نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی مبهم بود، چنین تعریف کرده است: "ویژگی‌های یک نهاد یا سازمان اجتماعی چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که می‌توانند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های تعاون و همکاری بهبود بخشند."

آن چنان که در مفهوم سرمایه اجتماعی قابل استنباط است، سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و روابطی است که همکاری درون افراد

1 John Field

2 Robert Putnam

و بین گروه‌ها را در جهت کنش متقابل تسهیل می‌کند و این نوع از سرمایه با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود سه عامل تعهد، اعتماد و میزان کنش متقابل در بین آنان بیان می‌شود. شبکه‌ای بودن اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم، ارتباطات و اتصالات منابع و دارائی‌های اجتماعی را موجب می‌شود، که به میزان برخورداری از این ارتباط و اتصال می‌تواند به طور فوق‌العاده‌ای قدرت فرد یا افراد را در بهره‌گیری و بهره‌مندی از این سرمایه اجتماعی افزایش دهد.

سرمایه انسانی، از اواخر دهه (۱۹۶۰) در اقتصاد به مفهوم ارزش اقتصادی عوامل انسانی در سازمان‌ها و دستگاه‌ها با ویژگی‌های وسیع‌تری چون مهارت، دانش و سطح سلامت نشان داده می‌شود. تحول در نگرش به موضوع انسان در روابط اقتصادی چیزی شبیه فرآیند زیر است:

نیروی کار ← نیروی انسانی ← منابع انسانی ← سرمایه انسانی

سرمایه اجتماعی

وجه تمایز سرمایه اجتماعی و مفاهیم دیگر به عقیده شولر (۲۰۰۰) در این نکته است که سرمایه اجتماعی بر منافع جمع تأکید دارد ولی سرمایه انسانی به بیان منافع فردی و گروهی می‌پردازد. سرمایه انسانی تأکید بر ویژگی‌های فردی و قابلیت‌های عوامل انسانی در سطح بنگاه‌ها و سازمان‌ها دارد در حالی که سرمایه اجتماعی بیشتر بر نحوه ارتباط فرد در گروه و گروه‌های متشکل در جامعه مبتنی بر اعتماد صمیمیت، همکاری و موفقیت‌های جمعی و شکل‌گیری نوع خاصی از قدرت شبکه‌های انسانی به هم وابسته تأکید دارد. شکست و موفقیت هر فرد بر اساس توانائی‌ها و تلاش‌های فردی او شکل می‌گیرد، اما میزان موفقیت او بستگی تام به نحوه روابط و ارتباطات با دیگران دارد. چرا که انسان موجودی اجتماعی است که بر اساس نیاز و تلاش مشترک در یک فضای همکاری و تعامل می‌تواند به اهداف خود در زندگی دست یابد.

پنهان کاری و منزوی کاری فردگرایانه، فرصت‌طلبی کمک کردن به دیگران را که می‌تواند به ایجاد شبکه مطلوب جدید منجر شود از افراد و حتی سازمان‌ها می‌گیرد. امری که در نگاه‌انی و زودگذر ممکن است سود آور باشد، ولی در بلند مدت حتماً باعث محدودیت‌های فردی و در نهایت شکست و عدم توسعه و تکامل فردی و سازمانی خواهد گردید. اگر بپذیریم که انسان موجودی است اجتماعی، که بقای فرد منوط است به بقای اجتماع، و همچنین اجتماع را شبکه‌ای در هم تنیده از

مجموعه کنش متقابل، همبستگی‌ها، همگرایی‌ها، دانسته‌ها و سرمایه‌های مشترک بدانیم که افراد مجتمع و به هم مرتبط را برای یک هدف یا اهداف مشترک به هم پیوند می‌دهد. آنگاه لزوم توجه به نسبت‌های اجتماعی من جمله سرمایه اجتماعی بیشتر احساس خواهد شد. از طرفی نیز چنین به نظر می‌آید که سرمایه بدون ایجاد قدرت، روندی رو به تحلیل خواهد داشت و قدرت بدون سرمایه، فاقد اقتدار و اعمال تأثیر مستقیم بر اجتماع است و اگر سرمایه اجتماعی به تولید قدرت اجتماعی نگردد، زوال ساختاری جامعه را موجب خواهد شد. (شکل - ۱)



شکل - ۱ تعامل دو سویه قدرت و سرمایه

اندیشمندان اسلامی و سرمایه اجتماعی

فارابی (۳۳۹-۲۶۰ ه. ق) معلم ثانی، اولین کسی بود که علم مدنی را به عنوان شاخه‌ای از علوم عملی در کنار علوم نظری (الهی - طبیعی، تعلیمی) قرار داد. او معتقد بود که برای ایجاد فضایل در انسان باید افعال نیک پیوسته در میان مردم رواج یابد (خوشرو، ۱۳۷۴ ص ۲۹) تاکید بر فضایل اخلاقی و گسترش آن در میان مردم و نقش رهبری با دو نقش فیلسوفی و نبوی، نکته ایست که فارابی را از اندیشمندان غربی حوزه علوم اجتماعی دیگر از قبیل جیمز کلمن و پاتنام و بورديو جدا می‌کند.

دوری در کتاب فلسفه مدنی فارابی بر این امر تکیه کرده است، که فارابی جامعه کامل را جامعه‌ای می‌داند که مردم آن قادر به رفع نیازهای خویش (با همگرایی دینی و اجتماعی) باشند.

مدینه فاضله فارابی بر تعاون و همکاری و اموری است که به سعادت آدمی می انجامد. خوشبختی و سعادت در پرتو همکاری اجتماعی و با تکیه بر الگوی نظام اجتماعی مفاهیم بدیهی است که از قبل فارابی وارد اندیشه جامعه شناسی کرد. ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸) مسلمان تونسسی که از آن به عنوان فیلسوف اجتماعی و تاریخ نام می‌برند، جامعه را به صورت یک واقعیت مستقل و تحت تأثیر محیط طبیعی و اقلیمی با تقدم جامعه شناسی کلان بر مسایل اجتماعی خرد می‌دانست که نهادها و تشکیلات اجتماعی آن به شدت به یکدیگر وابسته و در کنش متقابل به هم می‌باشند. ابن خلدون ارتباط میان کنش، کار جمعی، رشد و توسعه اقتصادی را به شکل زیر بیان کرده است. (همان ، ص ۱۲۴)

کار جمعی ← تولید دارایی و ثروت ← افزایش خرید امکانات رفاهی
 ← ایجاد مشاغل جدید صنعتی و هنری ← رواج بازار ← بالا رفتن درآمدها و هزینه‌ها
 گسترش عمران و آبادی ← رشد تمایلات تجملی .

چپرا (۱۹۹۳) معتقد است که ابن خلدون واژه «همبستگی اجتماعی» را برای مفهوم همان چیزی که ما به عنوان سرمایه اجتماعی می‌شناسیم، بکار برده است. البته خود او نیز به بیان و گفته بعضی از محققین اقتصادی، اطلاق اصطلاح «سرمایه» را به این موضوع مورد شک قرار داده و معتقد است که واژه سرمایه برای چیزی که قابلیت تملک ندارد و می‌توان به آن دارایی اجتماعی گفت، نامناسب است. در چنین مواردی بهتر است از ادبیات ابن خلدون استفاده کنیم و از اصطلاح «همبستگی اجتماعی» که جایگزین بهتری نسبت به سرمایه اجتماعی می‌باشد، استفاده نماییم. (همان، ص ۲۸)

بکارگیری

تصویری از این همبستگی یا سرمایه اجتماعی کارآمد به مفهوم «امت واحده» حضرت امام (ره) نیز به عنوان اولین اندیشمند در این حوزه که با نگاه عملیاتی و کاربردی در حوزه ادبیات شیعی، به آن پرداخته، بسیار حایز اهمیت است. اهتمام انقلاب اسلامی در مسیر پس از پیروزی برای تشکیل این امت واحده با ویژگی منحصر به فرد همبستگی ملی و اجتماعی، از همان لحظات اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت‌های استعماری و سلطه‌گر را همواره بر آن داشته تا در پی انحراف این حرکت اصیل و الهی برآیند.

حرکتی که بر پایه فطرت اصیل دینی و آزادی‌خواه ملت ایران استوار بوده و هست. باید توجه داشت که دین، جامعه تقسیم شده از صنف‌ها، گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را صحنه گذاشته و تایید کرده است. و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفو (حجرات ۱۳) و همکاری اجتماعی را بر دو محور اساسی نیکوکاری یا «بر» و پرهیزگاری یا «تقوی» قرار داده است. (و تعاونوا علی البر و التقوی..... (مائده ۲) ضرورت ادامه حیات اجتماعی اتصال این طبقات و گروه‌ها برای اصلاح و رفع کمبود و نیازمندی‌ها انکار ناشدنی است. و آنچه از کلام امام علی (ع) بر می‌آید اصلاح وضع امور و صنف‌های اجتماعی به شدت متکی به گروه‌ها و طبقات اجتماعی است ان الرعیه طبقات لا یصلح بعضها الایبعض و لا غنی ببعضها عن بعض (نامه ۵۳ نهج البلاغه).

امام (ع) همچنین بیان کرده است که پیوند میان گروه‌های اجتماعی تابع سنت‌ها و قواعدیست که در طول زمان شکل گرفته‌اند و عامل وحدت و یکپارچگی آنهاست که می‌بایست به آنها احترام گذاشت. سنه صالحه عمل بها صدور هذه الامه و اجتمعت بها الالفه و صلحت علیها الرعیه (نامه ۵۳ نهج البلاغه) نتیجه آنکه تقویت گروه‌ها و طبقات مختلف در جامعه به عنوان سرمایه‌های اجتماعی با تقویت سنت‌ها و روش‌هایی که آنها را به هم جوش و پیوند می‌دهد و حداکثر مشارکت آنها را در جامعه تضمین و تحکیم می‌بخشد، ضروریست. بنابراین هر عاملی که پیوند میان آنها را بر هم بزند نه تنها نامطلوب که بالاتر از آن گناه سیاسی به شمار می‌آید در همین نامه امام (ع) به حاکم سیاسی جامعه (مالک اشتر) توصیه می‌کند که: آداب و قوانینی که به سنت‌های هم‌جوشی ملی آسیب می‌رساند وضع نکند و توسعه ندهد....ولا تحدثن سنه تضر به شیء من ماضی. تلک السنن فیکون الاجر لمن سن‌ها و الوزر علیک به ما نقضت منها.... (همان مدرک)

نقش مذهب در سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است ضمن آنکه انقلاب اسلامی ایران به این موضوع دامن زده است. کلمن یکی از محدود اندیشمندان غربی بوده است که بر نقش مذهب به عنوان عامل پیوند بین افراد جامعه اشاره کرده است.

تحقیقات به عمل آمده نیز در دانشگاه میشگان آمریکا توسط مارک میوسیک، جیمز هاوس و دیوید ویلیام^۱ در سال ۱۹۹۸ بر این نکته تصریح و تأکید کرده است که به طور گسترده مشاهده شده است که حضور در مراسم مذهبی باعث کاهش مرگ و میر می شود. که دلیل آن تاحدودی مربوط به تغییر رفتار افراد و تمایل برای ایجاد روابط اجتماعی بیشتر و دوام زندگی زناشوئی می باشد اینها همه مفاهیم جدیدی است که مذهب به زندگی می بخشد. تجربه ۳۰ ساله انقلاب اسلامی ایران، نشان می دهد نظام جمهوری اسلامی مرهون یکی از مهم ترین عوامل تداوم و پایداری خود یعنی حمایت های مردمی و اعتماد عمومی، انباشت و توسعه «سرمایه اجتماعی» است. نظریه دفاع همه جانبه مردمی حضرت امام (ره) با توجه به الگوی امت واحده اسلامی، توانسته موضوع سرمایه اجتماعی و دامنه بکارگیری این نوع از سرمایه از حوزه فردی و گروهی به سطح ملی و حتی بالاتر از آن به سطح بین المللی بکشاند. گسترش امنیت در دو حوزه داخلی و خارجی مرهون همبستگی اجتماعی و وفاق ملی است که سهم عمده آن به توسعه روابط اجتماعی، وحدت جمعی، اعتماد ملی همه گروه ها و اقشار جمعیتی بستگی دارد. امنیت هم یارانه، امنیت جمعی، امنیت هماهنگ، امنیت همه جانبه و. امنیت همگانی واژگانی است که در نتیجه گسترش مفهوم سرمایه اجتماعی قابل درک است. در تفکر حضرت امام (ره) نقش اساسی در موفقیت های انقلابی و ملی کشور از سه عامل وحدت (کلمه) ملی، ایمان و رهبری الهی است که نقش سرمایه اجتماعی در وحدت ذیل " امت واحده" یک نقش مستقیم و بلا واسطه و در دو عامل دیگر به عنوان ویژگی منحصر به فرد امت و امامت انکارناپذیر است.

سرمایه اجتماعی و شبکه های یکپارچه

ایجاد شبکه های بین فردی و گروهی در ضمن توسعه اعتماد، رابطه متقابل، همکاری و هماهنگی را می توان سرمایه اجتماعی کارآمدی دانست که کنش متقابل عوامل موثر در یک چرخه اقتصادی را تنظیم و تأثیرها جانبی را به وجود می آورد.

در کنار سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی ملی یا دولتی نیز می‌تواند منافع حاصل از قانون، نظم، حقوق مالکیت، آموزش، بهداشت و خدمات دولتی مطلوب را در خدمت رشد و توسعه به عنوان عامل‌های نهادینه شده، قرار دهد. شبکه‌ها یا دارای ساختار "یکپارچه" و به هم پیوسته با چسب سرمایه اجتماعی هستند یا اینکه برخوردار از شبکه گسترده ولی باز بدون پیوستگی درونی می‌باشند و یا اینکه ترکیب و تلفیقی از ساختارهای فردی گروهی یکپارچه و گسترده هستند.

مطابق رویکرد تکامل‌گرایی اجتماعی^۱ ساختارهای اجتماعی جوامع انسانی به تدریج از شکل ساده آن به اشکال پیچیده‌تری پیشرفت می‌کنند (واژه سرمایه) همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد یعنی ما را قادر می‌سازد ارزشی ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم به اهدافمان دست یابیم، مأموریت‌هایمان را در زندگی به اتمام و انجام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم کمک کنیم. ساختار اجتماعی به نظم ترتیب‌های اساسی یا الگوهای روابط اجتماعی قابل تکرار در میان مردم اطلاق می‌شود که نقش آن را می‌توان به اسکلت فلزی یا بتونی یک ساختمان و یا اسکلت بدن انسان تشبیه کرد. ساختار اجتماعی به این واقعیت اشاره دارد که جوامع متشکل از کنش‌های اتفاقی نیست بلکه خصلت پایدار و سازمان یافته‌ای دارند (گیدنز، ۱۹۸۹).

اگر سرمایه اجتماعی را با تأکید بر واژه اجتماعی بودن، آن چنانکه بیکر (۲۰۰۰) به عنوان دارائی‌ها و منابعی از قبیل اطلاعات، اندیشه‌ها، فرصت‌ها، قدرت، قابلیت نفوذ، پشتیبانی فکری و احساسی، اعتماد و خیرخواهی، همکاری و ... درون شبکه‌ای قابل دسترس، که هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست، بدانیم آنگاه باید توجه داشت که در جامعه شبکه‌ای این منابع در دل شبکه‌های از روابط قرار گرفته‌اند که برای دسترسی به آن نیازمند نوع خاصی از مهارت و قابلیت‌های اساسی در روابط فردی هستیم. تشکیل شبکه‌های ارتباطی و سرمایه اجتماعی باعث تقویت فعالیت‌های فردی و سازمانی می‌شود و در مقایسه با هم‌تایان منزوی خود که تمایلی برای استفاده از قدرت و سرمایه‌های اجتماعی نداشته و یا توان آن را ندارند از تأثیر و نفوذ بیشتری برخوردار هستند.

1 social evolutionism)

سازمان‌هایی که از سرمایه اجتماعی قدرتمندی سود می‌برند می‌توانند به سرمایه‌های لازم برای کار آفرینی و فعالیت‌های جسورانه دست بزنند، یا درگیری سازمانی را بهبود ببخشند، از اهرم بازاریابی شفاهی و گفتاری بهره ببرند، از توانائی یافتن متحدان استراتژیکی سود ببرند (ص ۴۱).

برای اغلب مردم ایجاد شبکه‌های مشارکت یک انتخاب آگاهانه نیست، بلکه یک اتفاق به حساب آمده و بنابراین بیشتر شبکه‌های آنها اتفاقی است. این نوع شبکه‌ها در نتیجه واکنش ناآگاهانه به محدودیت‌ها به وجود آمده نه در نتیجه استراتژی‌های آگاهانه که قادر است با ایجاد ارزش به وسیله ساخت شبکه‌های اجتماعی، اثر بخشی و کارایی را ارتقای بیشتر دهند. شبکه‌های کارآفرین در مفهوم سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از فرصت‌ها و فرصت آفرینی است، نه به مفهوم خاص آن که در تجارت و کسب و کار رایج است. تلاش برای ایجاد شبکه‌های کار آفرین سرمایه‌های اجتماعی چیزی جز تشکیل « شبکه فرصت‌ها» برای کمک به دیگران در چرخه روابط انسانی نیست. بنابراین برخی از آنها اجازه می‌دهند شبکه‌هایشان تحلیل رود.

چرا که هیچ شناختی نسبت به روش‌های مختلف آگاهانه انجام این کار را ندارند و از کنار بسیاری از فرصت‌ها برای جهانی کردن و توسعه بخشی به شبکه‌های خویش به آسانی می‌گذرند (همان، ص ۸۵). بنابراین با توجه به تغییرات فراگیر، نیازهای رو به رشد برای اطلاعات و آموزش، خلاقیت و نوآوری، پیشرفت مستمر، تغییر به سوی سازمانی مسطح و منعطف^۱ ارتباط تنگاتنگ بین سازمان و شبکه‌های رقبا، تامین کنندگان و مشتریان، این ضرورت‌ها ایجاد می‌کند که مدیران و رهبران سیاسی سرمایه اجتماعی را به عنوان یک شایستگی مشخص در سطح ملی « ایجاد» یا توسعه ببخشند. مدیران موفق در هر سازمانی به دنبال موفقیت هستند و یکی از رازهای این موفقیت نیز «ساختن شبکه‌های فردی و شغلی در میان افرادی است که هدایت و مدیریت می‌کنند»، چرا که سرمایه اجتماعی جوهره‌ای از علاقه خالصانه به دیگران و روابط صادقانه در خود دارد که سازمان‌ها و مدیران به شدت به آن نیاز دارند. مدیران باید به منظور خلق محیطی مناسب برای رشد و شکوفایی درون و برون سازمانی، تغییرات بنیادین در طراحی سازمان کنند.

مدیرانی که چنین بینشی داشته باشند تمام آنچه را که افراد نیاز دارند فراهم سازند. آنان فقط هدایت می‌کنند، بازی نمی‌کنند (بیکر ۲۰۰۱، ص ۲۲۲). رهبران خوب هم، رهبرانی هستند که بدون توجه به عوامل بازدارنده، معماران اجتماعی خوبی باشند. آنها کنترل جامعه را به دست گرفته تغییرات اساسی را در شرایط تعامل پدید می‌آورند. سپس کنار ایستاده و اجازه می‌دهند شبکه‌ها شکوفا شده، رشد کرده و ثمره دهند (همان، ص ۲۴۸).

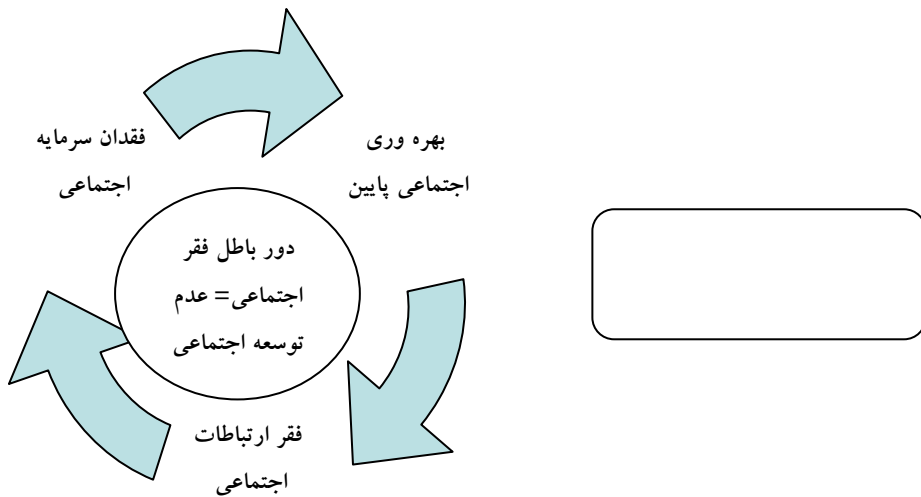
مشارکت مولد ابزار توسعه اقتصادی پایدار

چهار اصل ایجاد ارزش در سرمایه‌گذاری اجتماعی عبارتست از اعتماد، تعهد، جبران یا کنش متقابل و مشارکت می‌باشد. این چهار اصل، وجوه جدائی ناپذیر هر سرمایه اجتماعی ست. تحقیقات گلاسه و دیگران (۲۰۰۰) و همین‌طور مورتاگ (۲۰۰۲) نشان داده است که از این هر دو وجه مشارکت و اعتماد با منزلت اجتماعی و سطح درآمد همبستگی معنا دار دارند. دلیل این ارتباط مثبت میان مشارکت و سطح درآمد به این صورت قابل بیان است که در مشارکت، هم احساسی، همدلی، مفید و مثبت بودن تقویت می‌شود که جزء نیازهای سطوح بالاتر هرم مازلو برای طبقات متوسط و بالاست و هم اینکه به میزان سرمایه‌گذاری سهم مشارکت نیز تقویت می‌شود که برای افراد صاحبان سرمایه‌های مالی، دانشی، فرهنگی و ارتباطی این سهم افزایش بیشتری را نشان خواهد داد. در خصوص افزایش حس اعتماد به موازات افزایش سرمایه‌های افراد باید اعتراف کرد که به دلیل ایجاد حاشیه امن بیشتر و حدود ریسک کمتر این افراد در صورت بروز عوارض ناشی از اعتماد به دیگران قادر به جبران آنها خواهند بود. میزان «تعهد» اگرچه در بین افراد تحصیل کرده و مرفه بیشتر است اما مبین الگوی کاملاً قطعی و جامع نیست. فیلد (۲۰۰۳) در ادامه به نقل از گلاسر (۲۰۰۰) موضوع تعهد را در طبقات اجتماعی با میزان بالای پیوستگی مذهبی تاکید کرده است. بنابراین برای وجه «تعهد» در سرمایه اجتماعی سه عامل ترکیبی میزان تحصیلات، برخورداری مالی و پیوستگی مذهبی حداکثر تأثیر را دارند.

مشارکت، همکاری و حضور داوطلبانه مردم در اجرای طرح‌ها و تغییرات خود خواسته، حساس کردن مردم به منظور افزایش پذیرش و توانایی آنها در پاسخ به طرح‌های توسعه و مداخله آنها در مورد توسعه زندگی خود و محیطشان تعریف می‌شود (میکلسن، ۱۹۹۳، ص ۴).

همگرایی توسعه مشارکتی و توسعه اقتصادی که اثربخشی سرمایه اجتماعی را در فرآیند توسعه نشان می‌دهد، می‌تواند حاصل این نگرش جنبی باشد که دخالت پایدار مردم در انتخاب، طراحی، برنامه ریزی، و اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد ضمن آنکه می‌تواند تداوم همکاری عمومی در امر توسعه و نیز برخورداری از بازخورد قابل فهم در خصوص افزایش همبستگی و انسجام درونی بخش‌های مختلف مرتبط با فعالیت‌های توسعه اقتصادی را در پی داشته باشد. این کار، آگاهی و مهارت‌های آنان را گسترش داده و ابزار رسیدن به خودکفایی را در دسترسشان قرار می‌دهد. جامعه در شرایط فقدان مهارت‌های ارتباطاتی موثر اجتماعی، نمی‌تواند به توسعه اجتماعی حاصل از شکل گیری سرمایه اجتماعی دست بیابد. در چنین وضعیتی جامعه در دور باطلی از فقر اجتماعی که می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری اجتماعی و ارتباطات اثربخش بشود، گرفتار می‌گردد.

شکل - ۳ دور باطل فقر اجتماعی



بنابراین دور باطل فقر اجتماعی که صورت ساده شده عدم توسعه اجتماعی و اقتصادی است نتیجه فقدان سرمایه، بهره‌وری و ارتباطات اجتماعی می‌باشد. (شکل - ۳) از طرفی نیز باید توجه داشت که اگر برنامه‌های توسعه بر اساس نیازهای یک گروه خاص طراحی شده و نیازهای اساسی عموم مردم مورد توجه واقع نشده باشد، مانع اجرائی و عملی مشارکت مردم را در طرح‌های توسعه فراهم خواهد کرد.

نبود مشارکت در برنامه‌های توسعه همچنین می‌تواند بیانگر وجود ساختار اجتماعی بی توجه به مشارکت توده‌ها باشد. بنابراین، عدم مشارکت در توسعه در اینجا به تعارضات اجتماعی به خصوص تعارضات ساختارهای اجتماعی باز می‌گردد که می‌بایستی از طریق تغییرسیاست های متناقض دولت و نیز تغییر ساختارهای اجتماعی ضد مشارکتی برطرف شود. (همان ، ۹) توجیه دخالت دولت به عنوان مبنایی برای سیاست گذاری و تعیین خطمشی در عرصه سرمایه اجتماعی در دو چیز نهفته است. یکی ضروری بودن سرمایه اجتماعی برای حمایت و ترویج هنجارها و رفتارهای مطلوب از قبیل مشارکت و همکاری با دیگران است. دیگری وجود استدلال‌های دقیق‌تر مبنی بر نقش آن در ارتقای کارآمدی اقتصادی، برابری و تعهد مدنی است. فیلد (۲۰۰۳) بیان می‌کند که ساز و کارهای زیادی وجود دارند که سیاست گذاران در اداره امور عمومی، می‌توانند برای ارتقای سرمایه اجتماعی از آنها استفاده کنند. آموزش یک ابزار مستقیم سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی است. (ص ۲۱۳) فوکویاما (۲۰۰۱) نیز معتقد است که آسان‌ترین راه برای تولید سرمایه اجتماعی آموزش مشارکت است. زیرا مردم را در ایجاد مهارت‌های اجتماعی و متعهد شدن به هنجارهای مشترک و قوانین یاری می‌رساند. مهم‌ترین نتیجه سرمایه اجتماعی «غلبه بر بی اعتمادی» و «افزایش تعامل و مشارکت اجتماعی» می‌باشد.

برای تحقق مشارکت در روابط اجتماعی ، بهترین راه اینست که خود را به عنوان یک عضو از حالت داد و ستدی و معامله گری دور کنیم و فقط روی این مسأله دقت و تمرکز کنیم که چگونه می‌توان به دیگران کمک کرد بدون اینکه از آنان در مقابل انتظار جبران کمک را داشته باشیم. مهم‌ترین راز بقاء و رشد سرمایه اجتماعی در این معنا نهفته است که از شبکه‌های خود برای کمک به دیگران استفاده کنیم (بیکر ۲۰۰۱، ۱۳۱).

سرمایه اجتماعی و اقتصاد اجتماعی

تعامل فرهنگ توده‌ها یا فرهنگ اجتماعی، ارزش‌های جمعی درونی و نگرش‌های هدایت کننده، کنش متقابل را در جامعه تقویت و بهبود می‌بخشد. سرمایه اجتماعی آنگاه پاداش و نتایج اقتصادی دارد که کنش متقابل اجتماعی منجر به تأثیرها جانبی به گونه‌ای بشود که این کنش جمعی، کسب سود متقابل خارج از بازار را نیز تسهیل کند. در مجموع هرگاه سرمایه اجتماعی هزینه‌های معامله و هزینه‌های اطلاعات را کاهش دهد و سرمایه مادی و انسانی را پرمثمرتر سازد می‌توان آن را یک منبع بهره‌وری عامل کل (TFP) دانست که از آن به عنوان پسماند سالو یاد می‌کنند. (مایر ، ۲۰۰۰) در

مدل رشد توسعه سولو^۱ (۱۹۵۷) سرمایه یکی از دو رکن اصلی تابع تولید کل کاب-داگلاس $Y=F(K,L)$ به شمار می‌آید، که در آن تولید (Y) تابعی از دو عامل سرمایه^۲ و نیروی انسانی^۳ است. سرمایه اجتماعی از آن رو که می‌تواند بی‌شک عاملی موثر بر کاهش خطرپذیری اقتصادی، عدم قطعیت، هزینه‌های اطلاعات و نهایی شدن معاملات و همین‌طور کاهش زمان لازم برای توسعه و ایجاد یک فعالیت اقتصادی شود، می‌توان آن را ایجاد نوع خاصی از فرهنگ اجتماعی تلقی کرد که قادر است به شکل‌گیری «اقتصاد اجتماعی» منتهی گردد.

کیفر و ناک^۴ (۱۹۹۹) در تحقیقات خود رابطه بین عملکرد اقتصادی شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی را بررسی نموده‌اند. این دو، بر اساس اطلاعات موجود در عملکرد اقتصادی ۲۹ کشور عضو اتحادیه اروپا، مطالعه جهانی ارزش‌ها^۵ با دو شاخص اعتماد و فعالیت‌های مدنی را بررسی نموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که رابطه معنی داری بین سرمایه اجتماعی و بازده اقتصادی جوامع و رشد تولید ناخالص ملی وجود دارد، که رابطه مثبتی بین این دو متغیر دیده می‌شود.

سرمایه در مفهوم اجتماعی آن، خاصیت تبدیل‌پذیری به سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی را دارد به گونه‌ای که حتی می‌تواند به عنوان عامل و ابزار ایجاد اعتماد و اعتبار در جایگزینی سرمایه اقتصادی مطرح باشد. این دلیل می‌تواند سرمایه اجتماعی را به شکل ابزاری کارآمد، همچون اشکال دیگر سرمایه‌های مالی، مادی و اقتصادی با تاکید بر روابط اجتماعی، مثبت سازنده و قوی تبدیل کند. سرمایه اجتماعی به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با سرمایه انسانی دارد، می‌توان گفت پیش‌نیاز تحقق آن است و بیش از آن که به ساختارهای مشهود و روابط صنفی، گروهی یا سازمانی متکی باشد، به سرمایه انسانی (مهارت، تجربه و دانش) نیازمند است تا به کمک و مساعدت آنها روابط اجتماعی را بر پایه همکاری، تعامل و اعتماد، ساختارمند و پویا کند.

1 Robert Solow

2 Capital

3 Labor

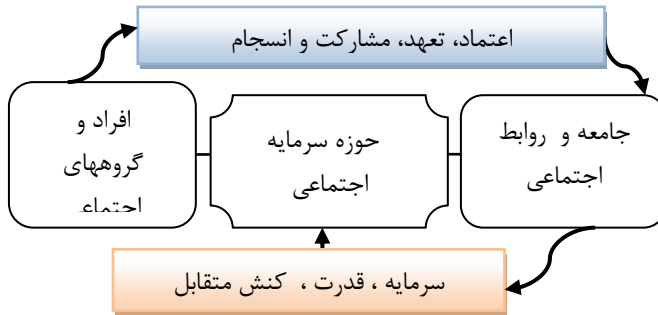
4 Keffer & Knack

5 World Values Survey

به بیان هال و جونز (۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی می‌تواند به انباشت سرمایه، کسب مهارت، نوآوری، انتقال اطلاعات و فناوری و کاهش هزینه معاملات منجر شود. ضمن آن که قادر است مدیریت دارایی مشترک و تدارک کالاهای عمومی، افزایش سرمایه داری و کاهش هزینه‌های اجتماعی، جرم، فساد و ... را نیز به همراه داشته باشد. (والیس و کیلر، ۲۰۰۴، ۲۴۶) سرمایه اجتماعی در مفهوم اقتصادی آن هم وقتی شکل می‌گیرد که کنش‌های متقابل اجتماعی آن منجر به تأثیرها جانبی شود و سبب تسهیل در کنش جمعی برای کسب سود متقابل خارج از بازار را تسهیل کند. اعتماد، رابطه متقابل، شبکه‌های بین فردی، همکاری و هماهنگی را می‌توان «سرمایه اجتماعی مدرن» دانست (مایر، ۲۰۰۰ ص ۵۲).

روند استفاده از سرمایه اجتماعی عبارت است از سرمایه‌گذاری در شبکه‌های ارتباطی، درخواست نوع کمک و همکاری، دریافت خدمات ارائه شده و قدردانی صمیمانه. به همین دلیل است که در معماری سرمایه اجتماعی، استفاده از سرمایه اجتماعی در مسیر خدمت به دیگران متمرکز می‌شود. این موضوع ذیل ویژگی جبران یا همان کنش متقابل بیان می‌شود. کنش متقابل با بازده اقتصادی یکی از اهداف و ابعاد واقعی سرمایه اجتماعی است. اصل «کنش متقابل» سرمایه اجتماعی را بیکر (۲۰۰۱) چنین بیان می‌کند: « شما با کمک و یاری دیگران بدون نگرانی درباره اینکه چه کسی یا چگونه به شما کمک متقابل خواهد کرد. در شبکه وسیعی از کنش متقابل سرمایه‌گذاری کرده‌اید که هر کجا و هر زمان به کمک نیاز داشته باشید به یاری شما خواهد شتافت» (ص ۱۷۹).

این اصل که عمل متقابل و جبران‌کننده به عنوان یک اصل اخلاقی از روابط میان کشورها تا روابط فردی را در بر گرفته، نوعی الزام اخلاقی پاسخ متقابل را در پی دارد که همواره حس جبران کمک دیگران را بر می‌انگیزد. احساس اخلاقی حاصل از اصل «کنش متقابل» توضیح می‌دهد که چرا ساخت سرمایه اجتماعی کارآمد است. زیرا زمانی که شما به شبکه‌های خود به عنوان عاملی برای کمک به دیگران می‌نگرید، دیگران نیز به شما کمک خواهند کرد. کنش متقابل حاصل ایجاد اعتماد، تعهد، مشارکت و انسجامی است که در بین افراد اجتماع به طور طبیعی به وجود می‌آید و در ضمن اثرگذاری در روابط اجتماعی افراد، قادر است تا در کنار دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از قبیل قدرت و سرمایه در جامعه شکل گیرد. (شکل - ۴)



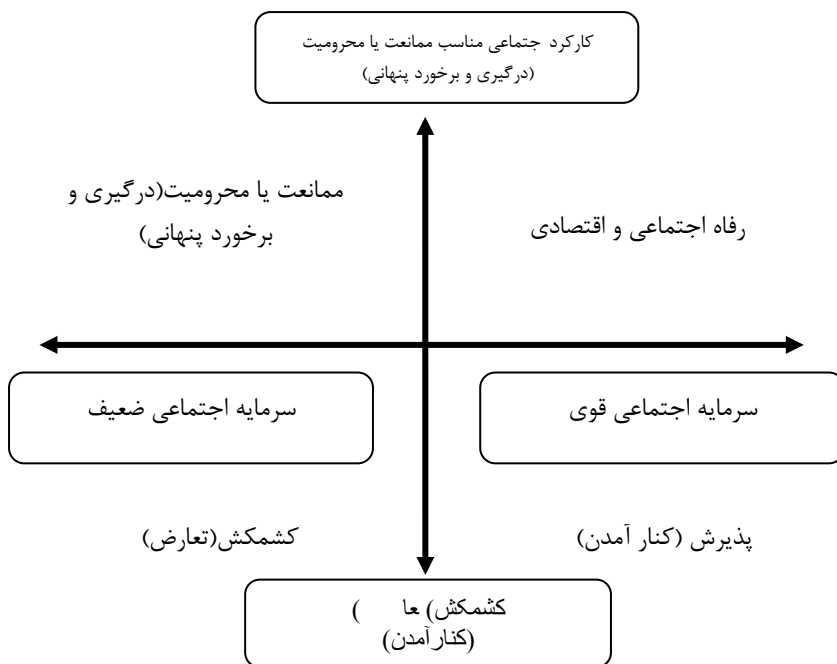
شکل-۴

تعامل جامعه و افراد در شکل گیری کنش متقابل سرمایه اجتماعی

جامعه شناسی مثل «هوارد بیکر»^۱ (۲۰۰۱) بیان می کند که ما باید خود را به جای انسان عاقل، انسان جبران کننده بنامیم» آنچه که می تواند مانع از تأثیر کنش متقابل یا پاسخ جبران کننده در سرمایه اجتماعی بشود، جهت گیری معاملاتی یا بازاری در روابط فردی و اجتماعی در ارتباطات همکاری ها و مساعدت هاست.

کسانی هستند که دارای روابط سر به سر می باشند یعنی تا نگیرند نمی دهند، تا سودی نبرند سود نمی رسانند. اینان در این وضعیت مقابله به مثل کنش متقابل را بر نمی تابند و قائل به نوعی از روابط شبکه ای سکه ای به تعبیر بیکر هستند. که مسیر معامله خشک و معامله اقتصادی و محاسبه نرخ سود بازگشت آن می باشند. این گونه رفتار شاید در کوتاه مدت نتایجی را به همراه داشته باشند ولی در حقیقت در بلندمدت به سرمایه اجتماعی انسان نه تنها نمی افزاید بلکه آسیب جدی به فرصت های آینده خواهند زد. دست یابی به کنش متقابل یک مسیر غیر مستقیم است. که در پی ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق کمک به دیگران می باشد. مطابق شکل ۵- چنانچه وضعیت مطلوب و سرمایه اجتماعی قوی در کنار کارکرد اجتماعی مناسب وجود داشته باشد، دسترسی به رفاه اقتصادی و اجتماعی بیشتر نیز میسر بوده و جامعه از پیامدهای حاصل از درگیری های پنهانی و تعارضات نیز در امان خواهد شد. این امر سبب می شود تا هماهنگی و تعادل میان سطوح بالای کارکرد اجتماعی و سرمایه اجتماعی ایجاد گردد.

1 Howard Becker



شکل ۵- ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کارکرد اجتماعی منبع: والیس و کیلر، ۲۰۰۴، ص ۲۴۴

سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

سرمایه را آن چنانکه جان فیلد (۲۰۰۳) معنا کرده است به معنای مجموع دارایی گردآوری شده‌ای است که به امید کسب سود در آینده می‌تواند مورد سرمایه‌گذاری مجدد قرار گیرد. از طرفی نیز، سرمایه به هر نوع دارایی که قابلیت تولید ایجاد می‌کند، نیز اطلاق می‌شود. به بیان دیگر هر چیزی که در گذر زمان جریان درآمدی ایجاد کند سرمایه محسوب می‌شود. پس درآمد محصول سرمایه است. سرمایه تجسم یافته در منابع انسانی (سرمایه انسانی) و سرمایه فکری (تولیدی که در صورت مصرفی کاسته نمی‌شود) و سرمایه معنوی (سرمایه تولیدی فکری جامعه) و سرمایه فرهنگی (سرمایه مصرفی فکری جامعه) از انواع مختلف سرمایه به شمار می‌روند.

سرمایه یکی از اجزای تابع تولید است که پایه‌ای‌ترین ابزار تئوری اقتصادی برای تبیین منشاء ثروت است. چه در شکل کلاسیک تابع تولید (محصول تابعی از سرمایه، نیروی کار و زمین) و چه در شکل اصلاح شده آن یعنی سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی. بنابراین سرمایه آنچه را شامل می‌شود که در فرآیند تولید جریان دارد، از تولید نتیجه می‌شود و برای تولید بیشتر به کار گرفته می‌شود. سرمایه آن گونه که در جامعه شناسی، حقوق و اقتصاد از آن بحث می‌شود، دارای چهار ویژگی است: (دانشمهر و ناصری راد، ۱۳۸۷) واحدهای سرمایه مالک شخصی دارند و حقوق مالکیت آنها توسط قانون به رسمیت شناخته شده است. سرمایه زمانی به منزله سرمایه فعال تلقی می‌شود که امیدی برای بازگشت آن وجود داشته باشد. به جریان افتادن سرمایه، عموماً به کاهش یا تضعیف کارکرد آن می‌انجامد. توانایی بازگشت بالقوه آن معمولاً به این امر نیاز دارد که بخشی از برگشت سرمایه برای بازسازی یا نوسازی ذخیره سرمایه مورد استفاده قرار گیرد

در اقتصاد توسعه، چهار دیدگاه اصلی مربوط به انباشت سرمایه وجود دارد که بر اساس تقدم تاریخی شامل سرمایه مادی، سرمایه انسانی، سرمایه دانش و سرمایه اجتماعی می‌شود. در این سیر تکاملی این چهار نوع سرمایه به عنوان مکمل یکدیگر مطرح شده‌اند و مشخص است که فقدان هر یک از آنها می‌تواند در سرعت توسعه کشورها خلل ایجاد نماید. (مایر، ۲۰۰۰) رابرت پوتنام استاد دانشگاه هاروارد در تحقیقات ۲۵ ساله‌اش در ایتالیا به این مطلب پی برد که مناطقی که از سرمایه اجتماعی قوی برخوردار هستند شاهد توسعه بیشتر اقتصادی و دولت‌های محلی مسئول بوده‌اند (بیکر ۲۰۰۰ ص ۲۹).

این تصور اندیشه توسعه اقتصادی بر اساس انباشت سرمایه از سال ۲۰۰۰ عملاً با تغییر سرمایه دانش به سرمایه اجتماعی وارد عرصه جدیدی شد که تلفیق و همگرایی جامعه شناسی خرد و کلان را با اقتصاد توسعه نوید می‌دهد. وقتی می‌گوییم سرمایه اجتماعی زاینده و مولد هستند منظور این است که هیچکس در جامعه بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند و اگر برخی وانمود می‌کنند که بدون آن به حیات خود ادامه می‌دهند موضوعی نامناسب و غیر اخلاقی را مطرح می‌کنند که علیرغم استفاده و بکارگیری آن به طور مخفیانه آن را انکار می‌کنند. (همان، ۱۶).

سرمایه انسانی مجموع دانش، مهارت و تجربه فردی است که او را به نسبت برخورداری از این سه ویژگی از دیگران ممتاز و ویژه می‌کند و تعیین کننده اندازه زایایی و مولد بودن فرد در تولید ارزش‌های تخصصی فردی و سازمانی می‌باشد. همان طوری که سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد برای شکل دادن به ابزارهای که تولید را تسهیل می‌کنند، به وجود می‌آید. سرمایه انسانی نیز با تغییر دادن افراد در راستای ایجاد مهارت‌ها و توانائی‌ها پدید می‌آید و افراد را توانا می‌سازد که به شیوه‌های جدید رفتار کنند. رشد سریع ذخایر مادی تا حد زیادی به تمرکز سرمایه انسانی بستگی دارد که در حقیقت روند افزایش، دانش، مهارت‌ها، و ظرفیت‌های تولید تمام افراد یک کشور به شمار می‌رود. سرمایه‌های فیزیکی تنها زمانی مولدتر خواهد شد که کشور دارای مقادیر لازم سرمایه انسانی باشد (قره باغیان ۱۳۸۶ ص ۶۵۷) راهبرد توسعه اگر بخواهد به موفقیت دست یابد باید بتواند همه سرمایه انسانی جامعه را درگیر کند. از طرفی هیچ کشوری نیز نتوانسته بدون سرمایه گذاری اساسی و کارآمد در دو بعد آموزش و بهداشت به مشارکت پایدار در روند شکل گیری سرمایه اجتماعی دست یابد. در سرمایه اجتماعی به تعبیر (مایر، ۱۳۷۸) انسان‌ها به عنوان دارایی‌های مولد اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند.

این سرمایه به نوبه خود هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم یافته است. سرمایه انسانی کمتر ملموس است ولی در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده تجسم می‌یابد و قابل مشاهده می‌گردد ولی سرمایه اجتماعی کمتر از این محسوس است زیرا در روابط میان افراد تجسم می‌یابد. سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می‌کنند و سرمایه اجتماعی نیز همانند آن‌ها عمل می‌کند و گروهی که اعضایش قابلیت اعتماد نشان می‌دهند و به یکدیگر اعتماد دارند خواهد توانست که کارهایی بسیار بیشتر از گروهی که فاقد اعتماد هستند انجام دهد. (ص ۴۶۴) البته کلمن (۱۹۹۰)، سرمایه اجتماعی را یک انتخاب نمی‌داند بلکه حاصل یک پیامد غیر عمدی و پیگیری منافع شخصی تلقی می‌کند در حالیکه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی حاصل انتخاب عمدانه و هدفمند است که از طریق محاسبه عقلانی کنشگران برای سرمایه گذاری شکل می‌گیرد.

دلایلی که به کمک آنها می‌توان روابط، تعاملات و کنش‌های اجتماعی را سرمایه دانست، این است که ساختن و ایجاد شبکه‌های اجتماعی کنشگران را در دست‌یابی به اطلاعات و قدرت توانمند می‌سازد. ضمن آنکه، این نوع از سرمایه می‌تواند، مشارکت جمعی و در کنار آن هویت جمعی، گروهی و فردی را تقویت می‌نماید.

شالوده سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد "برقراری روابط". مردم از طریق برقراری روابط با یکدیگر و حفظ آن در طول زمان قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند تا به انجام اموری بپردازند که یا به تنهایی قادر به اجرای آن نیستند یا اجرای آن همواره با دشواری‌های زیادی باشد. سطوح مختلف سرمایه اجتماعی عبارتند از اعتماد، مشارکت جامعه، اطلاعات و ارتباطات، تجانس اجتماعی، تقویت، اقدام واحد سیاسی و فراگیر، بودن اجتماعات کوچک که عموماً به عنوان عوامل و متغیرهای اصلی اندازه‌گیری‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۳۲).

باید توجه داشت که تکیه بر فردگرایی روحیه استقلال، اعتماد به نفس، خود کفائی، خود اتکایی، خود دوستی و خود مختاری را در افراد یک جامعه به وجود می‌آورد و توسعه می‌بخشد. در حالیکه تکیه بر سرمایه‌های اجتماعی که خود نوعی مدیریت ماهرانه روابط و ارتباطات تلقی می‌شود می‌تواند در پرتو استعدادهای ذاتی و طبیعی، هوش، خود آموزی یا آموزش و تلاش فردی آن چنانکه نیز بیکر (۲۰۰۰) تأکید کرده به وسیله روابط با دیگران به مرحله ظهور رسیده و تقویت شود. این مهم نیز با توجه به نقش تقویت روابط با اشتراک در تلاش و منافع و همکاری تیمی، می‌تواند به کمک سرمایه اجتماعی با سهولت بیشتری تحقق یابد.

اصل ساده برای توجیه این ارتباط میان فرد گرایی و سرمایه‌های اجتماعی این است که سرمایه اجتماعی باعث تسهیل ایجاد سرمایه انسانی در دو حوزه فردی و اجتماعی می‌شود. سرمایه اجتماعی و افزایش عملکرد اقتصاد ملی کلمن^۱ (۱۹۹۰) کتاب معروف نظریه‌های بنیاد اجتماعی معتقد است که لوری^۲ در اوایل دهه ۸۰ مفهوم سرمایه اجتماعی را برای تشخیص منابع اجتماعی سودمند برای توسعه

1- Coleman

2- Loury

سرمایه انسانی وارد اقتصاد کرد. استیفان نک و فیلیپ کی فر^۱ (۱۹۹۷) در مطالعه خود پی برده‌اند که بین رشد اقتصادی و اعتماد رابطه مستقیمی وجود دارد و این ارتباط در کشورهای فقیرتر قوی‌تر است. اعتماد متقابل بین افراد یک جامعه با سهولت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی موجب افزایش کارایی در اقتصاد می‌شود.

در کشورهای توسعه یافته این نقش به عهده نهادهای رسمی است. از طرف دیگر این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش سرمایه اجتماعی موجب کاهش توزیع ناعادلانه درآمد در کشورهای در حال توسعه می‌شود. فوکویاما برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند بر اساس سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کند و هدف او این است که به این سوال پاسخ دهد: چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند. او ادعا می‌کند در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد، افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند مثلاً در جامعه ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب گسترش و توسعه این کشور شده است. (دانشمهر و ناصری راد، ۱۳۸۷) کره یک جامعه بسیار همگون است.

هیچ اقلیت قومی ندارد و تا حد زیادی از سنت کنفوسیوسی پیروی می‌کند، آئین کنفوسیوسی طرفدار ارزش‌های اجتماعی است که منافع زیادی به کل می‌رساند و منفعت شخصی و فردی را امری ثانویه می‌شمارد. کره همچنین توانسته ظرفیت اجتماعی خود را تا به امروز حفظ و ادامه دهد. این امر را می‌توان از سازگاری کره با بحران اقتصادی ۱۹۹۷-۹۸ آسیای جنوب شرقی دریافت که هنگام بروز بحران، زنان در بانک‌ها صف کشیدند تا برای کمک به ارز خارجی مورد نیاز، جواهرات و طلاهای خود را بدون عوض تحویل دهند، خانواده‌ها خرید کالاهای وارداتی را کاهش دادند، حقوق مدیران و متخصصان کاهش یافت و این در حالی بود که از کارگران ساده جهت حفظ ادامه اشتغال آنها حمایت می‌شد (ادلمن، ۲۰۰۰).

اگر سهم تأثیر سرمایه اجتماعی در تولید ناخالص ملی به اندازه عوامل تولید قابل اندازه گیری یعنی نیروی کار و سرمایه نباشد ولی بی شک می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم و اثر گذار در گروه پسماند در افزایش درآمد ملی نقش داشته باشد. اینکه چه نسبت از افزایش درآمد ملی حاصل عوامل تولید (سرمایه، نیروی کار) و چه نسبتی به عوامل دیگر یعنی پسماند تعلق دارد از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین شاخص‌های ارزیابی رشد، در اقتصاد و توسعه به شمار می‌رود. این عوامل می‌توانند شامل آموزش و پرورش، تحقیقات علمی، تعلیمات حرفه‌ای، بهره‌وری و صرفه جویی و از همه مهم‌تر میزان سرمایه اجتماعی باشد. سولو^۱ در بررسی‌های خود در آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۴۰-۱۹۰۹ به این نتیجه رسید که ۵۰ درصد متوسط نرخ رشد و تولید سرانه به دلیل عوامل پسماند پیشرفت‌های ملی است (قره باغیان، ۱۳۸۶).

پوتنام^۲ در بررسی سوابق سرمایه اجتماعی در آمریکا به این نتیجه رسید که از سال ۱۹۶۰ به بعد آمریکائی‌ها از زندگی مدنی کناره گیری کرده‌اند. این در حالی است که در سال ۱۸۳۲ نویسنده فرانسوی الکسیس توکوویل^۳ طی یک سفر علمی یک ساله به آمریکا در کتابی به تفصیل چنین نتیجه گرفت که در اروپا پیوندهای رسمی مردم در قالب روابط سنتی و سلسله مراتبی افراد را در کنار هم نگاه داشته در صورتیکه در آمریکا بنیاد دموکراسی و پیشرفته اقتصادی آنان زاده تعامل در انجمن‌های داوطلبانه به هم پیوسته مثل یک چسب اجتماعی عمل می‌کرد. (فیلد ۲۰۰۳ ص ۱۳) به عبارتی پیوندهای اجتماعی برخوردار از یک همبستگی ارگانیکی به جای همبستگی مکانیکی بوده‌اند. ارتباط میان افراد جامعه می‌تواند به دو شیوه عملکردی پیوند اجتماعی باشد همان پیوندهائی که در بیان امیل دور کیهم (۱۹۳۳) به همبستگی مکانیکی و ارگانیکی تقسیم شده است. همبستگی مکانیکی بیانگر نوعی خاص از ارتباط میان اعضاست که اطاعت و انجام وظایف در آن ناشی از اعمال قدرت در موقعیت اجتماعی گروه و پذیرفتن آن از سوی دیگر اعضاء بر حسب عادت است.

1- solow

2- Putnam

3- Alexis Tocqueville

در حالیکه همبستگی ارگانیکی بر حسب ضرورت‌های حیاتی و نیازهای بالاتر و پیوندهای عمیق‌تری شکل می‌گیرد که هر فرد در گروه و در سطح بالاتر یعنی جامعه به عنوان واحد سلولی از سلول‌های زنده و یا سیستمی از سیستم‌های ارگانیک برای ادامه حیات مؤثر خود ضرورت هماهنگی و همراهی با دیگر اعضا را درک و فهم می‌کند و بیش از آنکه یک عادت ناشی از اعمال قدرت سلسله مراتبی باشد منبعث از یک انتخاب آگاهانه ضروری و حیاتی است که در قالب شبکه‌های اجتماعی به هم پیوسته با ارزش‌های مشترک ظاهر می‌شود و در یک معنای کلی می‌توان بیان کرد که سرمایه اجتماعی مدل ارگانیکی از نظم اجتماعی در پیکره اجتماع زنده و پویاست.

امروزه سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفاء می‌کند و شبکه‌ها و روابط جمعی و گروهی انسجام بخشی میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و حتی سازمان‌ها با سازمان‌ها می‌باشد در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثر بخشی خود را از دست می‌دهند و بدون آن پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی، اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شوند. (الوانی و ربیعی، ۱۳۸۱ ص ۱۳)

مدل‌های استاندارد تولید اقتصادی چندین مکانیزم را که سرمایه اجتماعی بر آن تأثیر می‌گذارد، معرفی می‌کند یک تابع بازده را به ازای هر کارگر در نظر بگیرید، همانگونه که در فرمول ۱ نشان داده می‌شود. اگر y_i را به عنوان بازده و یا خروجی یک کارگر در کشور i باشد و Y_i را به عنوان بازده و یا خروجی کل در نظر بگیریم،

و k_i را به عنوان موجودی سرمایه فیزیکی و l_i را نیروی کار H_i را به عنوان موجودی کل سرمایه انسانی و A_i

را مقدار و میزان تکنولوژیکی فرض کنیم معادله (۱) بدست می‌آید:

$$y_i = \left(\frac{k_i}{Y_i}\right)^{\frac{a}{1-a}} \times \left(\frac{H_i}{l_i}\right) A_i$$

معادله (۱)

به طور ضمنی این معادله وجود اقتصاد بازار را که ایجاد سود، دستمزد و بازگشت سرمایه را تسهیل می‌کند و باعث تحریک در بخش تولید نیز شود، را نشان می‌دهد. (والیس و کیلر، ۲۰۰۴، ص ۲۳۹).

اثر مستقیم سرمایه اجتماعی بر بهره وری در معادله (۲) نشان داده است. اگر S_i را عامل قیاسی^۱ یا سنجش تابع کل بهره وری، در نظر بگیریم، در این صورت معادله زیر بدست می‌آید:

$$y_i = \left\{ \left(\frac{k_i}{Y_i} \right)^{\frac{\alpha}{1-\alpha}} \times \left(\frac{M_i}{l_i} \right) A_i \right\} \times S_i$$

معادله (۲)

اثر غیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر بهره وری حاصل افزایش مقدار تراکم و انباشت سرمایه انسانی می‌باشد. معادله - (۳)

$$y_i = \left(\frac{k_i}{Y_i} \right)^{\frac{\alpha}{1-\alpha}} \times \left(\frac{H_i S_i}{l_i} \right) A_i$$

معادله (۳)

سرمایه اجتماعی، همچنین انباشت سرمایه فیزیکی، همچنان که در معادله (۴) نشان داده شده است، را تسهیل می‌بخشد.

$$y_i = \left(\frac{k_i S_i}{Y_i} \right)^{\frac{\alpha}{1-\alpha}} \times \left(\frac{H_i}{l_i} \right) A_i$$

معادله (۴)

آسیب شناسی سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصاد ملی، نقش پیوندهای غیر رسمی در حوزه "سرمایه‌های اجتماعی" نوع خاصی از سرمایه داری بی سازمان^۲ یا پست مدرنیته را به وجود آورده است که مردم را قادر ساخته تا فارغ از مجموعه قوانین به انجام کارها و امور خود پردازند و شبکه‌ها را ایجاد نمایند که زندگی‌شان را احاطه نموده است (فیلد ۲۰۰۳، ص ۱۵۶).

1- Scale Factor

2- Disorganized Capitalism

برخی تلاش می‌کنند تا به تعبیر بیکر^۱ (۲۰۰۰) با تصور نادرستی که از سرمایه اجتماعی دارند، آن‌را با ایجاد و استفاده از روابط به منظور کسب منافع شخصی اهداف ابزاری و حتی مقاصد شرورانه یکی کنند. ولی شاید بتوان به دلیل نقش حضور اجتماع و مردم در ایجاد و تکوین این نوع از سرمایه و دارایی از منظر دیگری به این موضوع پرداخت. پیگیری نفع شخصی در شبکه سرمایه اجتماعی به مفهوم پارتی بازی یا نپوتیزم^۲ است. کسب نتایج با سوگیری غیر شفاف و عاملانه سبب بروز کنش‌های بی‌اعتمادی و در نتیجه فروپاشی ساختار سرمایه اجتماعی خواهد شد.

نگاه پیر بوردیو^۳ فرانسوی نیز به موضوع سرمایه اجتماعی و قدرت یک نگاه ترکیبی با تلفیقی از دارائی‌ها، منابع بالفعل و بالقوه و سرمایه فرهنگی است که عضویت در آن باعث ایجاد سود مادی و نمادی با الزامات محسوس و پایدار می‌شود. با این تفاوت که سرمایه اجتماعی از دیدگاه او وسیله‌ای برای حفظ برتری ثروتمندان و بهره برداری کمتر افراد کم بضاعت از آن می‌باشد. نگاه طبقاتی بوردیو به موضوع سرمایه اجتماعی ارزش مورد اشاره او را تحت الشعاع قرار داده است. (فیلد، ۲۰۰۳)

یکپارچگی و همگنی قومی، نژادی، زبان و مذهب نیز از مهم‌ترین عوامل تسریع کننده در افزایش میزان سرمایه اجتماعی بالاخص وقتی در وضعیت اقلیت هستند، می‌باشند. به همین دلیل است که در اروپا کشورهای اسکاندیناویایی که برخوردار از یکپارچگی قومی هستند دارای بالاترین میزان سرمایه اجتماعی هستند. (فیلد، ۲۰۰۰)

بعضی از متخصصین همانند پاتنام (۲۰۰۲) انباشت ترکیبی سرمایه اجتماعی را در حال نزول می‌دانند و شاخص‌ها مؤید را از جمله میزان پیوستن به انجمن‌های داوطلبی، میزان اعتماد بین افراد، نرخ رأی دادن و سطوح معاشرت پذیری می‌داند که همگی در جامعه‌ای همانند آمریکا در حال نزول هستند و حتی در جریان حوادث ۱۱ سپتامبر که شواهدی مبنی بر افزایش قابل توجه ملاحظه در میزان اعتماد و آگاهی سیاسی در بین آمریکایی‌ها یافت می‌شد.

1- Wayne Baker

2- Nepotism

3- Pierre bourdieu

ولی معهدا هیچ شواهدی مبنی بر تغییر تعامل اجتماعی و داوطلب شدن وجود نداشت. فیلد (۲۰۰۳) بر خلاف پاتنام معتقد است که روند کلی کاهش میزان سرمایه اجتماعی را نشان نمی‌دهند بلکه شواهد به صورت وسیعی تأیید می‌کند که فردی شدن روابط اجتماعی و تغییر فراگیر در هویت، معنا و ماهیت روابط انسانی را تغییر داده است (ص ۱۸۹).

سرمایه اجتماعی به شدت از هرگونه رفتاری که منجر به شکست اتصال "تعهد مدنی" و "تعامل و مشارکت اجتماعی" گردد، آسیب خواهد دید. از طرفی رشد و توسعه سریع ارتباطات مجازی و رایانه‌ای نوع خاصی از تعامل اینترنتی را ایجاد کرده که به دلیل فقدان "تعهد مدنی" علی‌رغم آنکه نقشی در کاهش سرمایه اجتماعی نداشته است، ولی هیچ شاهد واقعی درباره نوعی از سرمایه اجتماعی که توسط شبکه‌های اینترنتی در حال ایجاد است، وجود ندارد. (فیلد ۲۰۰۳، ص ۱۷۴ و ۱۷۵). این نکته به این دلیل قابل درک است که به نظر می‌رسد حضور فیزیکی نقش مهمی را در کاهش ابهام ارتباط و افزایش آگاهی و دانش دو جانبه و متقابل بازی می‌کند.

فیلد به نقل از آوری (۲۰۰۲) بیان می‌دارد که "تعامل مجازی" به ندرت جایگزین "سفر جسمی" یا "حضور فیزیکی" می‌شود، زیرا به نظر می‌رسد که "حضور مکانی متناوب" برای شکوفایی انواع خاصی از تعامل اجتماعی ضروریست (ص ۱۷۵).

اگرچه بازسازی هویت موجود در تعامل و مصاحبت مجازی به شدت به احساس اعتماد و قابلیت بازتابی واقعی خویشتن آسیب می‌زند، ولی به نظر می‌رسد اگر اینترنت یا فضای مجازی را حرکتی غیر قابل اجتناب که قادر است شبکه‌های اجتماعی موجود را به شیوه‌ای نوین گسترش دهد می‌توان در پرتوی نقش انبساطی بدون مرز اینترنت به غنی‌تر و مستحکم کردن ارتباط چهره به چهره فکر کرد.

ارزش سرمایه اجتماعی یک ارزش یک سویه و یکسان برای همه افراد جامعه و حتی اعضای گروه نیست. به گونه اینکه می‌توان بیان کرد که فواید و اثرات آن به شکل نابرابر توزیع شده است. سرمایه اجتماعی از این منظر منجر به نابرابری مضاعف می‌گردد (فیلد ۲۰۰۰). هرچه اهرم‌های مشارکت و اعتماد در جهت توسعه و گسترش میزان اتصالات و ارتباطات یک فرد کارا تر شود می‌تواند به یک تأثیر تصاعدی در پیشبرد منافع فرد یا گروه قائل شد و این امر هنگامی که منافع کسب شده در راستای منافع جامعه و اجتماع نباشد، عامل منفی در ارزش گذاری سرمایه اجتماعی به حساب می‌رود.

شبکه‌های سرمایه اجتماعی دارای دو تأثیر همگرایی مثبت یا منفی می‌باشند. در همگرایی مثبت جامعه از آسیب‌های درونی و مقابله با آسیب‌های بیرونی توانمند می‌شود.

در همگرایی منفی گروه‌ها و باندهای مجرمانه با هدف کسب سود منفعت طلبی بیشتر منفی و گروهی و قدرت سیاسی اجتماعی یا اقتصادی مطلوبشان تلاش می‌کنند. که نتیجه آن واگرایی در قدرت اجتماعی و دور شدن جامعه از توسعه قدرت ملی است. نقش سرمایه اجتماعی با این رویکرد تقویت نابرابری و حمایت از رفتارهای ضد اجتماعی است.

البته اگر با مفهوم سرمایه که همانا کسب منفعت و سود در آینده با سرمایه گذاری برای اجتماع و جامعه به موضوع نگاه کنیم آنگاه پرداختن به این پدیده منفی نگر و مجرمانه اطلاق سرمایه اجتماعی خارج از موضوع است که می‌بایست به آن با پدیده‌ای غیر از سرمایه اجتماعی نگریست چیزی مثل گروه‌های تفرقه و ضد اجتماعی یا گروه‌های مجرم و غیر اخلاقی.

ولی اگر اساس سرمایه اجتماعی به عنوان ابزار و آلت سوء استفاده احتمالی گروه‌ها مستقل منفعت گرا و سود محور مجرم ضد اجتماعی قرار گیرد مثل نقشی که گروه‌های مردمی در تقویت نهادهای صهیونیستی یا نژاد پرستی یا تروریستی با ریشه‌های مذهبی و یا ملی دارند، آنگاه حاصل این تلاش یک ترکیب پیچیده و مشکل خواهد شد. این نکته مفهوم سرمایه اجتماعی را از همگرایی مثبت به همگرایی منفی سوق خواهد داد. لذا با این توجیه اطلاق کلمه منفی به سرمایه اجتماعی به جا و صحیح است.

نتیجه طبیعی همگرایی مثبت سرمایه اجتماعی و کارکرد اجتماعی مناسب، آرامش، بهزیستی، اقتدار و منافع همه جانبه گروهی و ملی است ولی نتیجه همگرایی منفی سرمایه اجتماعی، ممانعت یا محرومیت (درگیری و برخورد پنهانی) و کشمکش (تعارض)، بی نظمی، اضطراب، عدم امنیت، ظهور آسیب‌های روانی و اخلاقی، آسیب‌های اجتماعی و ... می‌باشد. اگر تلاش گروه‌ها و طبقات اجتماعی موجود در سرمایه اجتماعی به نحوی باشد که اثرات و نتایج آن در تعارض و مخالفت با منافع گروه اجتماعی دیگر باشد در آن صورت می‌توان با تعیین معیارهای گروه‌های ناحق را از سرمایه اجتماعی جدا کرد و آنها را به عنوان نقش همگرایی منفی مورد تحلیل قرار داد. پاتنام (۲۰۰۰) در کتاب خود به نام بولینگ تنها، فصلی به نام مضرات سرمایه اجتماعی دارد که نتیجه گیری او این است:

سرمایه اجتماعی اگرچه بی ضرر بوده و فقط یکسری هزینه به دنبال خواهد داشت ولی مانند هر نوع سرمایه دیگری می‌تواند برای اهداف بد خواهانه بکار گرفته شود.

یکی از معیارهای سنجش گروه‌ها با همگرایی مثبت و منفی از همدیگر پدیده ایست که جان فیلد نیز از آن به عنوان شعاع اعتماد یاد می‌کند که هر چه این شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد احتمال بروز اثرات منفی آن بیشتر است. لذا فرایند توزیع اعتماد اگر منحصر به افراد گروه باشد فرض منفی و اگر شعاع این توزیع اعتماد به همه ارکان جامعه سوق داده شود فرض تقویت و همگرایی مثبت در فعالیت‌های گروه‌ها قابل تشخیص و شناسایی است.

نظریه انتخاب منطقی یا کنش منطقی در جامعه شناسی بر این باور است که تمام رفتارها از تلاش افراد برای تعقیب سودشان سر چشمه می‌گیرد. علیرغم آنکه جامعه شناسی انتخاب منطقی را یک مدل خیلی فرد گرایانه از رفتار انسانی فرض می‌کند هر فرد به طور خودکار و طبیعی کاری را انجام می‌دهد که مطابق با منافع خودش باشد و توجهی به سرنوشت افراد دیگر ندارد، ولی از همین مدل می‌توان همگرایی مثبت و منفی سرمایه اجتماعی را از هم تفکیک کرد. فرضیه این است اگر منافع حاصل از تلاش جمعی منحصر به افراد گروه و یا فرد به خصوص متمرکز شود و تأثیر مخرب برای شبکه ضعیف سرمایه اجتماعی داشته باشد پیگیری حصول به سود و منفعت عملی با همگرایی منفی تلقی می‌شود و بالعکس اگر منافع از فرد و گروه به همه یا حجم وسیعی از جامعه تسری یابد آنگاه تلاش گروهی یک همگرایی مثبت به حساب خواهد آمد.

سرمایه اجتماعی تحت تأثیر دو عامل به شدت گرایش به وجه دیگری از همگرایی منفی پیدا می‌کند که می‌توان به آن " سرمایه اجتماعی نابرابر اطلاق کرد. اولین عامل توزیع نابرابر شبکه‌ها در سرمایه اجتماعی و عامل دیگر دسترسی نابرابر به اتصالات و ارتباطات تحت تأثیر موقعیت اجتماعی می‌باشد. بنابراین دو عامل توزیع و دسترسی نابرابر شبکه‌های اجتماعی می‌توانند زمینه را برای بروز همگرایی منفی به شدت تقویت نماید. سرمایه اجتماعی در ابتدا یک دارائی با توزیع نابرابر است که در روند تقویت و توسعه باید یک دارایی با توزیع همگن مبدل شود. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در ابتدا یک کسب سود با فرصت‌های نابرابر تحت تأثیر موقعیت‌های اجتماعی و قابلیت‌های در دسترس افراد است که می‌بایست به فرصت‌های برابر فارغ از موقعیت اجتماعی تبدیل گردد.

افراد به موازات برخورداری‌های آنها از سرمایه‌های مالی یا فیزیکی، فرهنگی، نمادین، دانشی و ارتباطی یا منزلت اجتماعی از مزایای سرمایه اجتماعی برخوردار می‌شوند. این امر یکی از مهم‌ترین چالش‌های سرمایه اجتماعی در جوامع شبکه‌ای است. البته اگر این پدیده منجر به مشارکت بیشتر فرد در تولید و ایجاد سرمایه اجتماعی جامعه محور می‌گردد. به گونه‌ای که منافع آن همسو با منافع جامعه قرار گیرد در این صورت این تهدید چالش بر انگیز می‌تواند فرصتی برای ایجاد انگیزه و علاقه‌مندی بیشتر افراد در امر تولید قدرت و اقتدار سرمایه اجتماعی تلقی شود.

نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی مفهومی در حال فراگیر و در واقع پل ارتباطی مهمی است که با نگرشی جدید به بررسی ارزش‌های اجتماعی، به ویژه ارتباطات شبکه‌های برای دستیابی به اهداف مشترک در سطح خرد و کلان اقتصاد ملی می‌پردازد.

دین، جامعه تقسیم شده از صنف‌ها، گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را صحنه گذاشته و تایید کرده است. و همکاری اجتماعی را بر دو محور اساسی نیکوکاری یا «بر» و پرهیزگاری یا «تقوی» قرار داده است. سرمایه اجتماعی به مفهوم «امت واحده» حضرت امام (ره) مفهومی جدید و کارآمد است که در آینده می‌تواند بسیاری از تحقیقات در این زمینه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. چنین به نظر می‌آید که سرمایه بدون ایجاد قدرت، روندی رو به تحلیل خواهد داشت و قدرت بدون سرمایه، فاقد اقتدار و اعمال تأثیر مستقیم بر اجتماع است و اگر سرمایه اجتماعی به تولید قدرت اجتماعی نگردد، زوال ساختاری جامعه را موجب خواهد شد.

شبکه‌های سرمایه اجتماعی دارای دو تأثیر همگرایی مثبت یا منفی می‌باشند. در همگرایی مثبت جامعه از آسیب‌های درونی و مقابله با آسیب‌های بیرونی توانمند می‌شود. نتیجه طبیعی همگرایی مثبت سرمایه اجتماعی، آرامش، بهزیستی، اقتدار و منافع همه جانبه گروهی و ملی است ولی نتیجه همگرایی منفی سرمایه اجتماعی، بی‌نظمی، اضطراب، عدم امنیت، ظهور آسیب‌های روانی و اخلاقی، آسیب‌های اجتماعی و ... می‌باشد.

هیچ کشوری نتوانسته بدون سرمایه گذاری اساسی و کارآمد در همگرایی و مشارکت اجتماعی به توسعه پایدار دست یابد.

راهبرد توسعه اگر بخواهد به موفقیت دست یابد باید مردم را درگیر کند. بنابراین معیارهای توسعه باید چیزی بیش از میزان رشد اقتصادی را در بر گیرد و سرمایه اجتماعی می‌تواند شاخص خوب و مناسبی برای آن نیز باشد.

توجه یک‌سویه به مقوله سرمایه اجتماعی نباید ما را از آنچه که گرایش به وجه دیگری از همگرایی منفی که منجر به سرمایه اجتماعی نابرابر می‌شود، غافل کرد. توزیع نابرابر شبکه‌ها در سرمایه اجتماعی و دسترسی نابرابر به اتصالات و ارتباطات تحت تأثیر موقعیت اجتماعی سبب بروز توزیع و دسترسی نابرابر شبکه‌های اجتماعی در سطح ملی می‌گردد.

منابع

- ادلن، ایرما (۲۰۰۰)، نقد مقاله کنش جمعی و اقتصاد نهادگرا، در کتاب پیشگامان اقتصاد توسعه، جerald مایر، جوزف استیگلیتز، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ص ۳۴۵
- امام علی بن ابیطالب (۴۰ هجری)، نهج البلاغه، سید رضی، مترجم دکتر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۳
- بیکر، و این (۲۰۰۰)، مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه الوانی و ربیعی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول، ۱۳۸۱
- تاماس، وینود (۲۰۰۰)، بازبینی چالش توسعه، در کتاب پیشگامان اقتصاد توسعه، جerald مایر، جوزف استیگلیتز، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ص ۱۹۴ و ۱۸۶
- چپرا، محمد عمر (۱۹۹۳)، اسلام و توسعه اقتصادی، مترجمان محمدتقی نظریور و سید اسحاق علوی، تهران: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول ۱۳۸۳
- حسینی، حسین (۱۳۸۵) بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟ (فصلنامه امنیت سال پنجم شماره ۱ و ۲ پاییز و زمستان ۸۵ ص ۸)
- حافظ نیا محمدرضا (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ سیزدهم (۱۳۸۶)
- خوشرو، غلامعلی (۱۳۷۴)، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران: نشر موسسه اطلاعات، چاپ دوم
- دانشمهر، حسین و ناصری راد، محسن (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی پلی بین اقتصاد و جامعه‌شناسی، روزنامه سرمایه پنجم آبان ماه ۱۳۸۷
- فیلد، جان (۲۰۰۳)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۸۶
- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۱)، اقتصاد رشد و توسعه جلد دوم، تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۶
- کلمن، جیمز (۱۹۹۰)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷ چاپ اول

- گیدنز، آنتونی (۱۹۸۹)، جامعه شناسی، مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هیجدهم ۱۳۸۵
- مایر، جرالده (۱۳۸۷)، مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد(ارمکی)، تهران: نشر نی، چاپ اول
- مایر، جرالده (۲۰۰۰)، نسل قدیم اقتصاد دان ان توسعه و نسل جدید، در کتاب پیشگامان اقتصاد توسعه، جرالده مایر، جوزف استیگلیتز، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴
- محمدی، فتاح (۱۳۸۶)، کاربرد آمایش در تحلیل محیط امنیتی، ماهنامه نگرش راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال هشتم شماره ۸۱ و ۸۲ تیر و مرداد ۸۶ ص ۱۱۸
- موسوی، حبیب (۱۳۸۴)، کلیات علم اقتصاد، همدان: نشر علم نور، چاپ دوم
- میکلسن، بریتا (۱۹۹۳)، روش‌های توسعه، مترجم محمد جواد ناطق پور، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷
- Adler.Paul , Kwon.Seok-Woo(2000) Social Capital : The Good , the Bad and the Ugly , in knowledge and social capital: foundation and application, edited by Eric.I. Lesse , USA , Butterworth-Heinemann.
- Blanchard. Anita , Horan . Tom(2000), Virtual Communities and Social Capital, , in knowledge and social capital: foundation and application, edited by Eric.I. Lesse , USA , Butterworth-Heinemann.
- Knack Stephan and Philip Keefer (1997)Does Social Capital Have an Economic Payoff?Across_country Investigation” Quarterly Journal of Econometrics No.112 November 1997
- Lesser , Eric.I (2000) , leveraging Social Capital in Organization , in knowledge and social capital: foundation and application, edited by Eric.I. Lesse , USA , Butterworth-Heinemann.
- Musick , Marc, - House , james – David, Williams , attending at religious services and mortality in a national sample “ Universities of Michigan , 1998
- Wallis, joe and Paul Killerby(2004), Social economics and social capital, department of Economics, University of Otango, Yokohamo, Japan
- <http://pub.isu.ac.ir>
- www.humaxnetworks.com
- <http://www.magiran.com/npview.asp>